

بوش همه چیز خود را در این قمار گذاشته است.

امانوئل والرستاین

توضیح مترجم: متن زیر برگردان نروژی مقاله‌ای از امانوئل والرستاین (Immanuel Wallerstein) محقق

دانشگاه ییل (Yale) و نویسنده کتاب "The End of the World As We Know It: Social Science for

the Twenty-first Century" است. پرنیان

ایالات متحده آمریکا مشکلات بزرگی دارد: رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا قمار کرده و این قمار را بر پایه موقعیتی ضعیف انجام داده است. بوش تقریباً یک سال پیش تصمیم گرفت که ایالات متحده آمریکا می‌بایستی به جنگ عراق برود. او این کار را برای این انجام داده است که تفوق درهم کوبنده نظامی آمریکا را به نمایش بگذارد، و علاوه بر این به دو هدف ابتدایی دست پیدا کند:

- ترساندن همه کشورهای پتانسیل داشتن بمب اتمی را دارند و مجبور ساختن آن‌ها که از این برنامه صرف‌نظر کنند.

- به‌زانو در آوردن همه افکار اروپایی مبنی بر استقلال سیاسی در سیستم جهانی.

تا حالا بوش در این امر به درجه عالی شکست خورده است. کره شمالی و ایران (و شاید کشورهای دیگر که به ثبت نرسیده‌اند) به پروژه سلاح اتمی خود در واقع سرعت بخشیده‌اند. فرانسه و آلمان نشان داده‌اند که معنی مستقل بودن یعنی چه. علاوه بر این آمریکا حتی نتوانست یکی از شش کشور متعلق به جهان سوم عضو شورای امنیت را برای رأی دادن به یک قطعنامه دوم در مورد عراق با خود همراه سازد. بنابراین به این شکل بوش قمارش احمقانه و با جرأت را بازی می‌کند. او جنگ را شروع کرده است و شرط می‌بندد که او به پیروزی‌ای سریع و درهم‌کوبنده خواهد رسید. شرط‌بندی کاملاً ساده است. او تصور می‌کند که اگر ایالات متحده آمریکا حقیقتاً بتواند به چنین نتیجه نظامی‌ای دست یازد، هم کشورهای که برنامه دسترسی به سلاح اتمی را دارند و هم اروپایی‌ها از آن کارهایی که انجام داده‌اند پشیمان خواهند شد و در آینده تصمیمات ایالات متحده آمریکا را تأیید خواهند کرد.

پیروزی سریع؟

دو نتیجه احتمالی نظامی وجود دارد: یکی همانی که بوش آرزو دارد (و منتظر است) و دیگری نتیجه‌ای متفاوت با آن است.

احتمال این که بوش به یک تسلیم سریع و تمام و کمال عراقی‌ها برسد چقدر است؟ پنتاگون می‌گوید که آن‌ها سلاح‌های کشتار جمعی را در اختیار دارند، و خیلی سریع به آن دست پیدا

می‌کنند. تعداد زیادی از ژنرال‌های بازنشسته آمریکایی و بریتانیایی به این گفته بدبین هستند. حدس من (و آن‌طور که می‌بینم همه این‌ها فقط حدس است) این است که امکان یک پیروزی سریع و کامل محتمل به‌نظر نمی‌رسد. تصور می‌کنم که ترکیبی از یک تصمیم‌گیری مستأصل رهبری عراق، به‌اضافه ناسیونالیسمی قویا افزایش یافته عراقی، به‌اضافه این‌که کردها اعلام کرده‌اند که مایل به جنگ بر علیه صدام نیستند (نه برای این‌که آن‌ها از صدام متنفر نیستند، بلکه برای این‌که آن‌ها اصلاً به ایالات متحده آمریکا اعتماد ندارند) وضعیت را برای ایالات متحده آمریکا برای پایان دادن به جنگ در عرض چند هفته دشوار خواهد کرد. احتمالاً این جنگ ماه‌ها طول خواهد کشید. و اگر جنگ ماه‌ها طول بکشد چه کسی می‌تواند پیشگویی کند که باد از کدام طرف خواهد وزید، و قبل از همه در بین افکار عمومی آمریکایی و بریتانیایی؟

اما فرض کنیم که ایالات متحده آمریکا به یک پیروزی سریع دست یازد. در این‌صورت هر چه که بوش در این قمار به گرو گذاشت به او برگشت داده خواهد شد، او نه برنده است و نه بازنده. چرا این‌را می‌گوییم؟ برای این‌که پیروزی‌ای سریع یک وضعیت ژئوپلیتیک تقریباً مثل امروز خواهد ساخت. قبل از همه این سؤال مطرح است که بعد از پیروزی چه در عراق خواهد گذشت. حداقل چیزی که انسان می‌تواند بگوید این است که هیچ کس نمی‌داند، و اصلاً معلوم نیست که ایالات متحده آمریکا فکری در مورد این‌که چه می‌خواهند بکنند دارند. چیزی که ما می‌دانیم این است که علایقی که نقش بازی می‌کنند پیچیده، ناهماهنگ و بی‌تناسب است. این یک سناریو برای آنا‌رشیگری و گیج کردن است. برای این‌که ایالات متحده آمریکا بتواند نقشی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های بعد از جنگ بازی کند، باید استقرار سربازان در دوره‌ای طولانی و مقدار زیادی پول را در بر داشته باشد (حقیقتاً پول زیادی). هر کسی که وضعیت اقتصادی و سیاست داخلی ایالات متحده آمریکا را مطالعه می‌کند، می‌داند که دستگاه اداری بوش با نگرداشتن لشکرهای خود به مدت طولانی کار سختی خواهد داشت. و این امر دشوارتر می‌گردد موقعی که می‌خواهد پول برای این بازی تهیه کند.

در جا زدن یا اغتشاش

به‌اضافه این‌که دیگر مشکلاتی که جهان کماکان با آن روبروست پابرجا خواهد ماند. اول از همه احتمال برای پیشرفت در جهت تشکیل یک دولت فلسطینی باز هم کمتر خواهد شد. دولت اسرائیل از پیروزی آمریکایی برای عادلانه جلوه دادن سیاست خشن خود در قبال فلسطینی‌ها استفاده خواهد کرد و آن‌را خشن‌تر خواهد کرد. و جهان عرب باز هم عصبانی‌تر می‌گردد. ایران جاه‌طلبی‌های فیزیکی هسته‌ایی خود را متوقف نخواهد کرد. بر عکس، ایران موقعی که صدام حسین از راه خارج شد با انرژی بیشتری پا به میان می‌گذارد. کره شمالی تحریکات خود را افزایش خواهد داد و کره جنوبی با متحد آمریکایی خود و درگیری آن به اعمال نظامی کمتر احساس نشاط می‌کند. و فرانسه برای علایق دراز مدت خود کار خواهد کرد. همان‌طور که گفتیم: یک پیروزی سریع نظامی آمریکایی در عراق به ما وضع موجود را می‌دهد، چیزی کاملاً سواى آن‌که بازهای ایالات متحده آمریکا به‌عنوان هدف داشتند.

اما اگر ما در نظر بگیریم که پیروزی سریع نظامی حاصل نمی‌گردد، آن‌موقع چه؟ در چنین

صورتی کل عملیات یک فاجعه ژئوپلیتیک برای ایالت متحده آمریکا است. یک کاخ شیطانی جدا می‌گردد، و ایالات متحده آمریکا همان مقدار نفوذ خواهد داشت که ایتالیا، و این یعنی خیلی کم. چرا این را می‌گوییم؟ به آن چیزی که در عراق می‌گذرد فکر کنید. مقاومت عراقی‌ها صدام را به یک قهرمان تبدیل خواهد کرد و او مطمئناً از این احساس سؤاستفاده خواهد کرد. ایرانی‌ها و ترک‌ها لشکرهای خود را به طرف منطقه کردنشین شمال عراق می‌فرستند و شاید بر علیه همدیگر بجنگند. کردها موقتاً می‌توانند خود را با ایرانی‌ها متحد کنند. اگر این امر انجام بگیرد، شیعیان جنوب عراق خود را از تلاش‌های نظامی آمریکایی دور نگه می‌دارند. سعودی‌ها شاید بتوانند خود را به عنوان میانجی‌های نامیمون پیشنهاد کنند، و محتملاً از هر دو طرف رد خواهد شد.

در جاهای دیگر در منطقه احتمالاً حزب‌الله به اسرائیلی‌ها حمله خواهند کرد و مطمئناً حمله متقابل خواهد شد، و احتمالاً اسرائیل تلاش می‌کند که جنوب لبنان را اشغال کند. آیا سوری‌ها برای نجات حزب‌الله و عمومی‌تر برای نقش خود وارد لبنان خواهند شد؟ این کاملاً ممکن است. اما در این صورت اسرائیلی‌ها دمشق را بمباران خواهند کرد (شاید با سلاح هسته‌ایی). آیا مصری‌ها ساکت خواهند نشست؟ از طرف دیگر، این مرد، ائامه بن لادن، را داریم، که بدون شک همه آن کارهایی را که دوست دارد انجام بدهد، انجام می‌دهد.

به هر حال می‌بازد

و اروپا؟ احتمالاً یک شورشی در حزب کارگر بریتانیا که منجر به تکه تکه شدن حزب می‌شود، بر پا خواهد شد. شاید بلر بخواهد قسمت عقب حزب را بیرون بکشد و با حزب محافظه‌کار یک ائتلاف ملی بحرانی تشکیل دهد. با این کار او کماکان نخست‌وزیر باقی خواهد ماند، اما یک فشار قوی برای انتخابات جدید وارد خواهد شد و بلر احتمالاً انتخابات را خواهد باخت، و باختش هم عظیم خواهد بود. و بعد این چیز بی‌مقدار درباره هشدار که بلر از مشاوران حقوقی خود دریافت کرد مبنی بر اینکه اگر بریتانیایی‌ها بدون حمایت سازمان ملل وارد عراق گردند، او می‌تواند متهم و به دادگاه بین‌المللی جنایی کشانده شود. چشم‌انداز انتخاباتی آزنار (Aznar) در اسپانیا هم به همین شکل تردید آمیز است. با توجه به مقاومتی که در رابطه با دخالت اسپانیا در حزب او وجود دارد، برلوسکونی (Berlusconi) و اروپای مرکزی و شرقی هم شروع به لرزیدن خواهند کرد.

هم‌زمان باید در آمریکای لاتین با قرارداد منطقه تجاری آزاد آمریکایی (FTTA) یا به اسپانیایی (ALCA) وداع گفت. به جای آن لولا (Lula) در برزیل با دوباره زنده کردن (Mercosur) به عنوان یک ساختمان تجاری و ارزی فشار خواهد آورد و شاید شیلی را بتواند با خود همراه کند. ویسنته فوکس (Vicente Fox) مشکلات عظیمی در مکزیک پیدا خواهد کرد. در جنوب شرقی آسیا دو کشور بزرگ مسلمان (اندونزی و مالزی) که هر دو تای آن‌ها رابطه خوبی با ایالات متحده آمریکا دارند، می‌توانند تلاش کنند که از اروپا در ایجاد حوزه عمل مستقل پیشی بگیرند. بر حکومت فیلیپین فشار زیادی برای فرستادن نیروهای نظامی آمریکایی به کشور خودشان وارد خواهد شد. و این احتمال است که چین به ژاپن بگوید که خودشان را از ایالات متحده آمریکا جدا کنند. چنانچه آن‌ها بخواهند کماکان از نظر اقتصادی آینده‌ایی در منطقه داشته باشند.

با این اوضاع و احوال رژیم بوش در ابتدای سال ۲۰۰۴ در کجا قرار خواهد داشت؟ این کشور در مقابل یک جنبش ضد جنگ که مدام در حال افزایش است قرار خواهد گرفت. و شاید حزب دمکرات را بتواند به سوی یک اپوزیسیون واقعی در مقابل سیاست جهانی بوش سوق دهد. این کار آسان نیست. اما ممکن است. و در این صورت دمکرات‌ها انتخابات را خواهند برد. اگر همه این‌ها انجام بگیرد، احتمالاً بوش به تعویض رژیم‌های بریتانیا، اسپانیا و ایالات متحده آمریکا نائل خواهد آمد. و ایالات متحده آمریکا دیگر به‌عنوان یک ابر قدرت نظامی غیرقابل شکست در نظر گرفته نمی‌شود.

جمع بندی:

اگر بوش این جنگ را ببرد در مقابل یک وضعیت ژئوپلیتیک که دست نخورده است قرار خواهد گرفت، که از آن چیزی که بوش آرزو می‌کند کمتر است. اگر بوش جنگ را ببازد، جنگ را واقعا می‌بازد. من می‌خواهم معتقد باشم که شانس‌ها خیلی خوش‌بینانه نیستند. تاریخ‌نگاران خواهند نوشت که برای ایالات متحده آمریکا ضروری نبود که بعد از ۱۱ سپتامبر خود را در این شرایط ناممکن قرار دهد.

Dialog

Postamt 1 / Postlagernd

04109 Leipzig / Germany

گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

Email: dialogt@web.de

Internet: <http://www.dialogt.net>